

دکتر حسین آسایش

دانشیار جغرافیا

## جایگاه مطالعات روستایی در برنامه ریزی توسعه روستاها

بخش دوم

Dr. Hossein Asayesh

(2)

### The Importance of Rural Studies in View of Rural Expansion

Planning for the economical, social and educational expansion in the rural areas requires good understanding of the areas and their inhabitants. We find many views and recommendations by the home as well as some foreign experts in this article. Many documents and case studies, with facts and figures, are also presented here to prove the point.

the author argues that most of the economic and social problems of the countries such as Iran originate from the rural areas. The remedy should therefore be sought there. There is no real urban development unless there are developments in the first place.

اهمیت مطالعات روستایی در توسعه روستاها\*:

همه مطالب و ارقام و اعداد بالا، ابعاد مسأله و اهمیت موضوع و جایگاه خاص کشاورزی و روستایی را روشن ساخته و به این نتیجه می‌رساند که در عین توجه به امور صنعتی، باید با تمام نیرو به توسعه روستایی و اصلاح کشاورزی خود پردازیم و مسلم است اصلاح وضع کشاورزی و تهیه برنامه های رشد و توسعه بدون مطالعه دقیق و همه جانبه روستاها و روستاییان نتیجه مطلوب نخواهد داشت.

\* منظور از توسعه روستایی در این نوشتار پرداختن به توسعه همه جانبه روستایی (اقتصادی،

اجتماعی، فیزیکی) می باشد.

لازم به تذکر است که توسعه روستایی دیگر صرفاً به معنای توسعه کشاورزی نیست. همچنین مردی از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازهای اولیه و اساسی انسانی مرتفع گردد. بلکه طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و بسیج انسانی را شامل می شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری قادر می سازد. ناتوانیهایی که آنها را در اسارت شرایط نامساعد زندگیشان نگهداشته است. ۱۶

البته باید دانست که مطالعه علمی روستاها نه تنها در ایران که نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت آن روستایی است حائز اهمیت می باشد، بلکه با توجه به این که سه میلیارد انسان در سطح کره در روستاها زندگی می کنند، و حیات  $\frac{2}{3}$  از کل جمعیت جهان بطور مستقیم و غیر مستقیم به درآمد زمین بستگی دارد، این مسأله در تمام کشورهای جهان در خور کمال توجه و اهمیت می باشد. برخلاف تصور عده ای هیچ وقت دود غلیظ و سیاه دودکشهای کارخانجات معظم صنایع سنگین کشورهای صنعتی و پیشرفته نتوانسته است، بر روی این واقعیت که کشاورزی منبع تغذیه انسانها و اساس تمام تمدنهاست پرده بکشد. بلکه دانشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی این ممالک مثل دکتر کستای، مالتروس، ریکاردو و امثال اینها با کمال صراحت تفوق و برتری کشاورزی را در همه جامعه ها تصدیق کرده و اغلب در نوشته های خود درآمد حاصله از خاک کشاورزی را اصل و مبدأ تمام ثروتها می دانند. امروزه کشاورزی علاوه بر تولید ثروت، با توجه به اهمیت بسیار آن در تغذیه جمعیت رو به تزاید جهان بویژه در جهان سوم، (خده های رشد شهرها) شایان توجه بسیاری می باشد. بطوری که امروزه وقتی از بخش کشاورزی صحبت می شود در واقع راجع به بخشی صحبت می شود که در حال حاضر در دنیا نه تنها یک منبع ثروت یا یک منبع تغذیه، بلکه یک حربه سیاسی است. امروزه واقعاً بسیاری کشورهای توسعه یافته که از کرامت انسانی بی بهره اند، از مواد غذایی به عنوان تجهیزات نظامی استفاده می کنند. بنابراین وقتی از بخش کشاورزی صحبت می شود، صرفاً از یک بخش اقتصادی صحبت نمی شود. بلکه از بخشی صحبت می شود که جنبه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی آن حتی در

بعضی مواقع برای بعضی از کشورها از جمله کشور ما، اهمیتی به مراتب حیاتی تر از بخش اقتصادی دارد. به همین دلیل برخی از کشورها، توسعه و گسترش فعالیت‌های کشاورزی را به عنوان مبنایی برای دستیابی به توسعه اقتصادی و سیاسی مدنظر قرار دارند. مایکل تودارو، اقتصاددان معاصر، در زمینه توسعه روستایی چنین می‌نویسد: «اگر قرار است که توسعه انجام گیرد و خود مستمر باشد باید بطور اعم از روستایی و بطور اخص از کشاورزی آغاز شود. مسائل اساسی فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، تماماً ریشه در رکود، و اغلب سیر قهقرای زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد».

در جای دیگر می‌نویسد: فقرا معمولاً در روستاها زندگی می‌کنند و عمده به کار کشاورزی می‌پردازند. دو سوم افراد بسیار فقیر زندگی خود را از طریق کشاورزی معیشتی چه بصورت زارعین فقیر و یا کارگران کشاورزی می‌گذرانند.

بنابراین از دهه ۱۹۷۰ به بعد وسیعاً شاهد تحوّل قابل ملاحظه‌ای در طرز تلقی اقتصاد دانان نسبت به توسعه بوده‌ایم. در نتیجه تجربه مایوس‌کننده دو دهه گذشته و تشخیص این که آینده اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما تا حدود زیادی به موقعیت کشاورزی آنها بستگی دارد، تغییر عمده‌ای در تلقی نسبت به توسعه و سیاست‌گذاری‌های مربوط به توسعه صورت گرفته است. طرز تلقی جدید، دیگر بر آن نبود که صرفاً بر صنعتی شدن سریع تأکید کند، بلکه بر اساس ارزشیابی واقع بینانه‌تر، متوجه اهمیت بی‌چون و چرای توسعه کشاورزی و روستایی برای تحقق نهایی توسعه ملی بود.

جستجوی علّتی خاص برای این پدیده، بیهوده است. دست کم تعدادی از عوامل در این تغییر مؤثرند که عبارتند از:

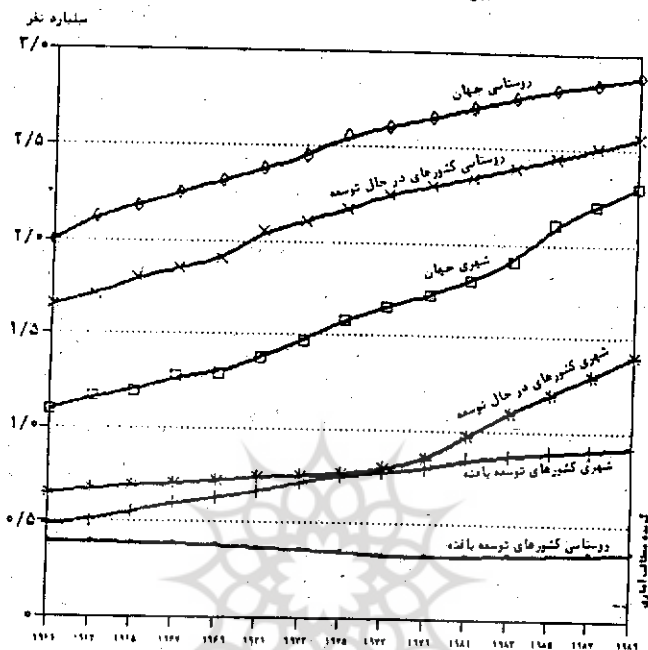
- نتایج نومیدکننده گرایش به صنعتی شدن؛
- رشد کنترل نشده شهرهای مرکزی (کانونی)؛
- تنگدستی بخش بزرگی از جمعیت حوزه پیرامون (حاشیه‌نشینان)؛
- رشد ناآرامیهای سیاسی در پیرامون؛

- پذیرش مدل توزیع، به عنوان یک جزء لاینفک سیاستهای توسعه، دست کم از یک دیدگاه نظری. ۱۷

البته در این جا لازم به تأکید است که ما با میسرا\* هم عقیده بوده و بر این باور نیستیم که «جامعه روستایی» را به عنوان گزینه‌ای در مقابل جامعه «شهری-صنعتی» مطرح کنیم. ولی در این مرحله تحقیق و مطالعه بر این باوریم که به جز استراتژی «شهری-صنعتی» راه دیگری هم برای زندگی بشر وجود دارد و معتقدیم، مناطق روستایی دارای امکاناتی برای این منظور هستند. ما بر این باوریم که همه سرمایه‌ها و نیروی انسانی و مادی را می‌توان صرف تأمین خدمات شهری، مدرسه، خیابان، پل، پارک برای خیل عظیم جمعیتی کرد که روز بروز بیشتر به شهرها روی می‌آورند. اما نمی‌توان امیدوار بود که شهرهایی این چنین سرانجام روزی تا حد کفایت، مدرسه و راه و پارک خواهند داشت؛ برای آن که در شهرها راه و خیابان و مدرسه و آب و برق به حد کفایت برسد، باید راه حل را در روستاها جست. باید طرحهای گسترش آب و خاک در روستاها به اجرا در آید. بهسازی و نوسازی روستاها جدی تلقی شود. برای بهبود تنگنای ترافیک شهری باید راههای روستایی احداث شوند. برای حل مشکل مسکن در شهرها باید به مسکن روستایی و بطور کلی سکونتگاههای روستایی توجه شود...

در اینجا لازم به یادآوری است، در اینکه توسعه روستایی کلید پیشرفت حقیقی کشور است شکی نیست، اما در عین حال گوش زد کردن یک مطلب از زبان «میسرا» ضرورت دارد: این خطر وجود دارد که برنامه ریزی مراکز روستایی، به اکسیر متداول جدیدی تبدیل شود که برنامه ریزان، در سطح ملی و منطقه‌ای برای هر دردی از آن استفاده کنند. مراکز روستایی هر قدر مهم باشند، فقط در داخل نظام اقتصادی و اجتماعی موجود می‌توانند رشد کنند. اتلاف داراییهای موجود یا ارائه پروژه‌های مراکز زرق و برق دار و چشم پرکن جدید، یقیناً پاسخ مناسب و درستی به مسامحه فعلی نیست. بهبود مراکز روستایی باید همگام با منابع مالی قابل استفاده و مهارتهای

تغییرات جمعیت شهری و روستایی جهان



سازمان انجام گیرد<sup>۱۸</sup>. سرانجام ژرفکاو‌های پیشین ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که اولین اصل برای شناخت آنچه برای توسعه کشاورزی و روستایی ضروری است، شناخت ماهیت زندگی اقتصادی و اجتماعی بطور اعم و جنبه‌های توسعه انسانی بطور اخص است. زیرا روش نوین توسعه با تأکید بر «توسعه انسانی» استوار است. و معنی و مفهوم «توسعه انسانی» در توسعه روستایی عبارت است از آن دسته تغییرات متوالی و پویا در شرایطی که موجبات یک زندگی آزاد و رضایت بخش را به مفهوم واقعی خود برای کلیه افراد یک منطقه یا کشور فراهم آورد.

دنیای روستایی از ما چه می‌خواهد و به ما چه می‌دهد؟ نظایر اینگونه سئوال‌هاست که باید برای شناسایی اهمیت روستا در همه زمان و مکان مطرح شود. دنیای روستایی امروز در درجه اول مواد غذایی مورد نیاز ما را تأمین می‌کند.

آنچه او به ما می دهد با توسعه شهرها و افزایش جمعیت، از یاد مصرف و بهتر شدن سلیقه ها باید مطابقت کند و افزایش یابد.

در نیمه اوک سال ۱۹۹۲، جمعیت جهان ۵۴۲۰ میلیون نفر برآورد شده است. پیش بینی می شود که در سال ۱۹۹۸ جمعیت جهان به ۶ میلیارد نفر برسد. یعنی پس از گذشت ۱۱ سال، از ۱۹۸۷ به بعد، به جمعیت جهان یک میلیارد نفر افزوده شده است. پیش بینی شده است که در سال ۲۰۵۰، جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر برسد.

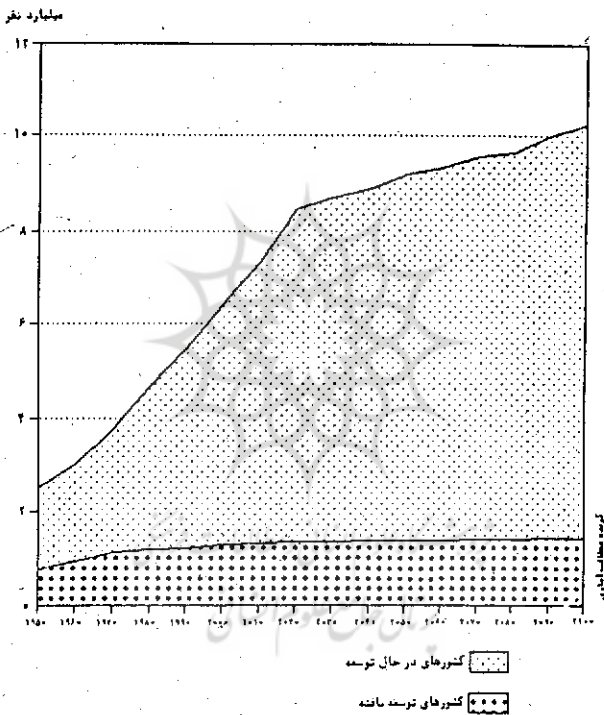
۹۰ درصد افزایش جمعیت جهان مربوط به کشورهای در حال توسعه است. جمعیت شهری جهان سوم به سرعت در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۰ درصد از جمعیت آمریکای جنوبی، ۴۱ درصد جمعیت آفریقا و ۳۵ درصد جمعیت آسیا، در مناطق شهری زندگی خواهند کرد.

تعداد جمعیت سال ۱۹۹۰ جهان نسبت به سال ۱۹۷۵ حدود ۲۹٫۸ درصد افزایش یافته است. بطور متوسط در این دوره رشد سالانه جمعیت ۳ درصد بوده است. در همین دوره اراضی کشاورزی از ۱٫۴۲۷/۱۷۸ هزار هکتار در سال ۱۹۷۴ به ۱٫۴۷۶/۷۰۹ هزار هکتار در سال ۱۹۸۹ رسیده است. رشد اراضی کشاورزی در دوره یاد شده ۳٫۵ درصد بوده است. بنابراین رشد جمعیت با رشد اراضی کشاورزی متناسب نبوده است. و همین امر موجب شده است، نظریه مالتوس که در چند دهه اخیر مورد انتقاد قرار می گرفت دوباره مطرح شود و احتمال دارد «مالتوس گرایی» در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس گزارش برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، رقم گرسنگانی جهان از ۴۶۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ به ۵۵۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۹، میزان سرانه مواد غذایی در جهان، در مقایسه با سال ۱۹۷۰، تا ۳۰ درصد کاهش یافته است.

مقایسه مقدار اراضی کشاورزی سرانه هر نفر در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۸۹ نشان می‌دهد که در تمام مناطق جهان به استثنای آفریقا، سرانه زمین کاهش پیدا کرده است. در چین در سال ۱۹۸۹ یک نفر ۰٫۰۸ - هکتار و در هند ۰/۲ - هکتار زمین در اختیار داشته است.

### جمعیت جهان



بررسی تولیدات کشاورزی نشان می‌دهد که رشد آن با رشد جمعیت برابری نمی‌کند. در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ رشد جمعیت جهان ۹٫۱ درصد و رشد غلات ۶٫۲ درصد بوده است. به همین سبب سهم سرانه مواد غذایی در حال کاهش است. در سال ۱۹۸۵ یک نفر حدود ۳۷۹ کیلوگرم و در سال ۱۹۹۰ حدود ۳۶۹ کیلوگرم از تولید جهانی غلات سهم داشته است.

اینک با در نظر داشتن مطالب بالا نگاهی به وضع کشور خودمان، در این زمینه، می‌افکنیم. می‌دانیم که در حال حاضر در کشور ما جمعیت با نرخ فزاینده‌ای در حال افزایش است. نرخ رشد جمعیت ایران بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حدود ۳٫۹ درصد بوده است. این نرخ رشد جمعیت هراس‌انگیز و در میان سایر کشورهای جهان رقم بسیار بالایی است، (۳ برابر سرعت رشد جمعیت جهان).

جمعیت کشور با رشد کاهشی ۳٫۲۸ درصد در آمارگیری سال ۱۳۷۰ مرکز آمار ایران، به ۵۸/۱۱ میلیون نفر رسید. اگر این روند کاهش را در رشد جمعیت باز هم خوشبینانه تر فرض کرده و آن را بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ حدود ۲٫۹ درصد در نظر بگیریم، در سال ۱۳۸۰ جمعیت کشور ۷۷٫۴ میلیون نفر خواهد شد. حال اگر دولت در برنامه تنظیم خانواده و کاهش رشد جمعیت موفق باشد و مثلاً رشد جمعیت در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ به ۲٫۷ درصد کاهش یابد، در این صورت در سال ۱۳۹۰ جمعیت کشور ما به ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید.

آیا تولیدات مواد غذایی برای تغذیه این میزان رشد و افزایش کافی بوده و یا اساساً در جهت پیشرفت سیر کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال فقط به بررسی تولید گندم و مصرف آن که رایجترین قوت مردم کشورمان می‌باشد اشاره می‌کنم.

با توجه به نقش مهم نان در تغذیه مردم، قابل توجه است بدانیم که در سال ۱۳۶۷ میزان تولید گندم کشور بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۶۷، برابر ۵٫۷۷۵ میلیون تن بوده است. در همین سال میزان مصرف سرانه گندم ۱۴۰٫۳ کیلوگرم (۱۱۷٫۳ کیلوگرم شهری و ۱۶۳٫۳ کیلوگرم روستایی) بوده است. به سخن دیگر میزان مصرف گندم مورد نیاز خانوارهای کشور در سال ۱۳۶۷ برابر با ۶۸۲۴٫۷ هزار تن بوده است. در همین سال واردات گندم کشور ما برابر ۲۳۱۲ هزار تن گزارش شده است. برای واردات این مقدار گندم در سال ۱۳۶۷ با ارز دولتی رقمی معادل ۲۲٫۷۸۷ میلیارد ریال هزینه پرداخت شده است. بر مبنای محاسبه مصرف سرانه سال ۱۳۶۷ در سال ۱۳۷۰ برای تغذیه جمعیت کشور به ۷٫۳۳۳ هزار تن، در سال ۱۳۸۰ به ۱۰٫۶۶۹٫۵ هزار تن و در سال ۱۳۹۰ به ۱۳۹۲۰٫۸ هزار تن گندم



نیازمند خواهیم بود<sup>۱۹</sup>.

اولین راه حل مسأله، تأمین گندم اضافی بر میزان تولیدات فعلی کشور از خارج می باشد. ولی سؤال این است که هر چند این راه آسانترین راه است ولی آیا بهترین و منطقی ترین راه نیز هست؟ و درآمد حاصله از منابع غیر کشاورزی، با همه محدودیتهایی که قبلاً گفتیم، می تواند مواد غذایی اولیه را برای جمعیت رو به افزایش کشور (با همه تمهیداتی که در کنترل جمعیت می شود) از خارج تأمین کند؟ و آیا لازم نیست که سرمایه گذاریهای اساسی و بنیانی بیشتری با برنامه های تدوین شده مشخصی بر اساس مطالعه روستاها از هم اکنون تدارک دیده شود؟ به نحوی که حداکثر استفاده از پتانسیل موجود آب و خاک و نیروی انسانی (ثروتها و برکتهای خدادادی) کشور میسر شود؟ و فردای ایران از قید وابستگی به تأمین مواد اولیه غذایی خارج از کشور آزاد شود؟ به نظر می رسد کلید راه حل مشکلات نسلهای آینده ایران در گرو شناخت و شناساندن این محیط پر برکت روستایی و کشاورزی و کاردانی و عاقبت اندیشی متفکرین امروز است، که با حرکتهای لازم و مطمئن و منطقی، در زمینه های مختلف محیط روستایی و بخش کشاورزی و دامداری، نسلهای آینده ایرانی را از وابستگی و سردرگمی و نگرانی برهانند.

جالب این جاست که بنا به عقیده بعضی از جغرافیدانان، از جمله «پیررز» اگر در ممالک عقب مانده یا در حال توسعه امر مطالعه و توجه به روستاها چندان مورد توجه قرار نگیرد، مهم نیست. ولی برعکس در ممالک توسعه یافته باید توجه به روستاها بطور جدی تعقیب گردد، چون در اینگونه ممالک رابطه بسیار نزدیکی بین روستایی و شهری و روستا و شهر وجود دارد.

آنچه در این میان شایسته تکرار است آن است که توجه بیشتر به روستاها مخصوصاً در کشور ما نباید مانعی برای توسعه و پیشرفت صنایع که شرط اصلی و اولیه اقتصاد پیشرفته است، باشد. مسلم است که هرگز، امروز اقتصاد کامل کشاورزی به تنهایی نمی تواند کشوری را به سر منزل مقصود برساند و استقلال اقتصادی و سیاسی کامل و قطعی برای آن ایجاد کند. البته منظور و هدف ما در این بحث مطالعه رابطه

صنعت و کشاورزی و اثبات برتری و مزیت یکی بر دیگری نیست. مع الوصف، برای اثبات اینکه در موقعیت فعلی کشور ما، توفیق برنامه صنعتی کردن کشور تا حد قابل توجهی با محور بودن توسعه کشاورزی ارتباط دارد، دلایلی چند اقامه می شود:

- محور بودن کشاورزی به معنی نفی صنعتی شدن نیست بلکه به عکس متضمن صنعتی تر شدن است، آن هم بطور سریع، زیرا محور بودن توسعه کشاورزی، توسعه صنعتی را در رابطه و تأثیر متقابل قرار می دهد، که بدون یکی، انجام و تحقق دیگری محال است.

- بخش کشاورزی دارای توانمندیهایی است که علاوه بر قدرت جذب تولیدات و ثمرات فعالیت سایر بخشها، مناسبترین و سریعترین زمینه های استقلال اقتصادی را فراهم می کند.

بدین ترتیب رشد و توسعه اقتصادی کشور به صورت زیر عملی می شود.<sup>۲۰</sup>  
 رشد و توسعه کشور → توسعه صنایع → توسعه کشاورزی → توسعه ده  
 - بنا به عقیده اکثر اقتصاد دانان در مراحل اولیه رشد اقتصادی علتها از نظر توسعه، صنایع سبک مصرفی نباید به دلایل زیادی که ذکر آنها در این مختصر امکان پذیر نیست، همیشه مقدم بر صنایع سنگین تولیدی باشد و این قسمت از صنایع مخصوصاً، صنایع سبک مصرفی ارتباط بسیار نزدیکی با ازدیاد کشت مواد خام و اولیه دارد. به عنوان مثال می توان از صنایع غذایی-نساجی-پوشاک-چوب و اشیاء چوبی-چرمسازی دارویی-شیمیایی-سلولزی-دخانیاات و نظیر اینها نام برد که ماده اولیه خود را از بخش کشاورزی تهیه می کنند. بطوری که رشد اینگونه صنایع بطور مستقیم بستگی به رشد و توسعه مواد اولیه کشاورزی دارد.

- در صورت توسعه صنایع، بدون توجه به کشاورزی و جذب نیروی انسانی به طرف فعالیتهای غیر کشاورزی و تمرکز جمعیت زیاد در شهرها، تقاضای مواد غذایی و مواد اولیه افزایش خواهد یافت در صورتی که اقدام عملی برای جواب این تقاضا مثبت نخواهد بود.

- توسعه صنعت مخصوصاً در مراحل اولیه، احتیاج به ورود ماشین آلات زیاد و

پر هزینه از کشورهای خارجی دارد که این خود مستلزم داشتن ارز خارجی زیاد می‌باشد. معمولاً در اکثر ممالک جهان سوّم ارز مورد نیاز از صدور محصولات کشاورزی تأمین می‌شود.

از این رهگذر معلوم می‌شود که در کشور ما در شرایط فعلی توجه کامل به روستاها و مطالعه همه جانبه آنها بسیار ضروری و اجتناب ناپذیر است. مخصوصاً لازم است که به موازات توجه کامل به صنایع سنگین که پایه و اساس اقتصاد کشورهای پیشرفته امروزی است، به صنایع کوچک بویژه صنایع مربوط به کشاورزی که سهم بزرگی در افزایش محصولات کشاورزی و بالا بردن سطح درآمد ملی کشور ما و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به شهرها دارند، توجه کرد. بنابراین سود نهایی با کسی خواهد بود که در صنعت نیز سرمایه خود را در راه تولید محصولات و مصنوعات کشاورزی در ایران به کار اندازد.

متأسفانه با توجه به اهمیت موضوع باید اقرار کرد که دربارهٔ اغلب روستاهای ایران بجز آنهایی که از نعمت همجواری شهرهای بزرگ برخوردارند و یا رساله‌هایی که به وسیله دانشجویان دوره‌های عالی به راهنمایی اساتید دانشگاهها و مراکز تحقیقات روستایی وابسته به وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی تهیه می‌شود، تحقیقات عمیق و مبتنی بر اصول علمی صورت نگرفته است. \* البته ما

---

\* تحقیقات و مطالعات علمی در مسائل اقتصادی و اجتماعی روستاها دیرگامی نیست که توجه دانشمندان و محققین کشور ما را به خود جلب کرده است. قدمت و سابقه تشکیل و تأسیس مؤسسات و مراکز تحقیقاتی در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی روستاها از سال ۱۳۳۷ فراتر نمی‌رود و می‌توان گفت حدود سه دهه است که رسماً و مستقلاً سازمانها و تشکیلاتی برای پژوهش و تحقیق در مسائل روستایی ایجاد شده‌اند. بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که اغلب مؤسسات و بخشهای تحقیقات روستایی پس از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ تأسیس و تشکیل شده‌اند قبل از اصلاحات ارضی فقط دو مؤسسهٔ دانشگاهی دارای بخشهای تحقیقات روستایی بوده‌اند: «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» و «مؤسسه توسعه تحقیقات اقتصادی» هر دو وابسته به دانشگاه تهران. و بخش تحقیقات روستایی وابسته

←

بخوبی می دانیم که در این باره کتابهای تاریخی بسیار قدیمی و سفرنامه ها و نتایج مطالعات محلی به صورت داستانهایی نوشته شده است، که بیشتر جنبه ادبی و مردم شناسی و فولکوریک دارد. اما آنچه ما می خواهیم و آنچه این جامعه روستایی برای احیای خودش نیاز دارد، همانا مطالعات دقیق و همه جانبه در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی است که باید هر یک به نوبه خود توسط گروه متخصصین مربوط صورت گیرد، تا منجر به یک رهیافت توسعه روستایی همه جانبه باشد.

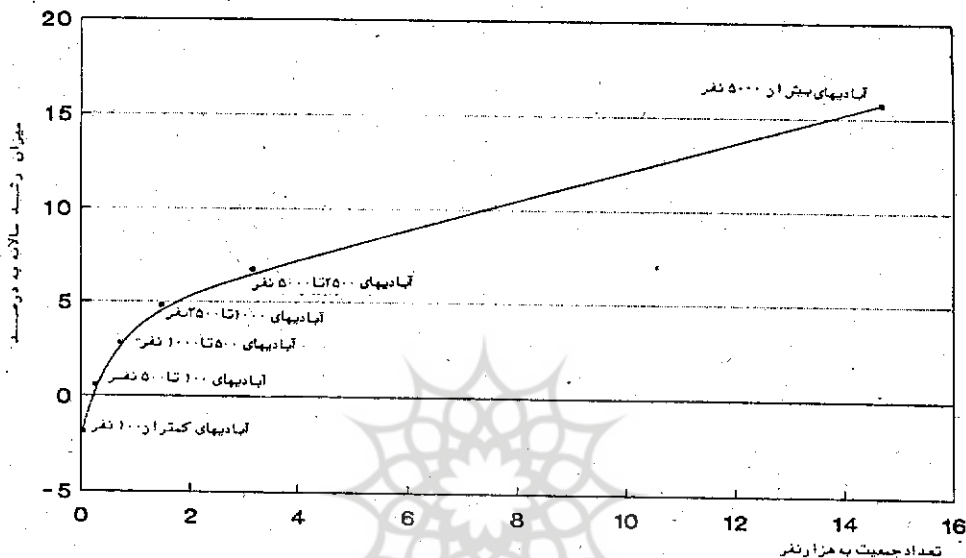
سطور زیر که در مقدمه «اورازان» توسط مرحوم جلال آل احمد نوشته شده است، می تواند بیانگر موقعیت مسائل روستایی ایران در آن سالها باشد. «گرچه در عرف و سیاست و فرهنگ مطبوعات معاصر مملکت ما، یک ده در هیچ مورد به هیچ حساب نمی آید، ولی بهر صورت هسته اصلی تشکیلات اجتماعی این سرزمین و زمینه اصلی قضاوت درباره تمدن آن همین دهات پراکنده است، که نه کنجکاو متبعان را می انگیزد و نه علاقه مندی خریداران رأی و سیاستمداران و صاحب امر را. چرا گاهی اتفاق افتاده است که مستشرق یا لهجه شناسی بعنوان تحقیق در لهجه دور افتاده ای سری به دهات زده است و مجموعه ای نیز گرد آورده است. ولی غیر از آنچه مربوط به مورد علاقه اوست، نه از مردم این دهات و نه از آداب و رسومشان و نه از وضع معیشت شان چیزی در اینگونه مجموعه ها نمی توان یافت. یا اگر می توان یافت، بسیار گذرا و سرسری است. تقصیر هم از کسی نیست، ناشناخته های این سرزمین آنقدر

---

به دانشگاه تبریز که در سال ۱۳۴۴ تأسیس یافته است. بعد از انقلاب اسلامی علاوه بر موسسات تحقیقاتی جدیدالتأسیس وابسته به دانشگاههای مختلف کشور، مراکز تحقیقاتی روستایی وابسته به وزارتخانه ها مشغول فعالیت هستند، که از آن جمله است «مراکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی» وابسته به وزارت جهاد سازندگی و «مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی» وابسته به وزارت کشاورزی. ضمناً در سالهای اخیر از طرف بخش خصوصی مؤسساتی به عنوان مهندسین مشاور تأسیس شده که فعالیتهایی تحت عنوان تهیه طرحهای بهسازی و هادی و جامع در روستاها انجام می دهند که هنوز هنگام قضاوت درباره فعالیت آنها در زمینه مطالعات علمی روستاها و برنامه ریزی روستایی فرا نرسیده است.

## میزان رشد سالانه به درصد

میزان رشد سالانه جمعیت روستاهای استان تهران برحسب طبقات جمعیتی در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۶۵



فراوان است که کمتر کسی حوصله می‌کند، به چنین موضوع حقیقی بپردازد و وقت عزیز خود را درباره یک ده بی‌نام و نشان، که در هیچ نقشه‌ای نشانه‌ای از آن نیست و حتی در جغرافیاهای بزرگ و دقیق نیز بیش از دو سه سطر به آن اختصاص داده نمی‌شود، صرف کند.<sup>۲۱</sup>

بزودی این «غفلت سطحی» از مناطق روستایی در همه جای کشور آشکار شد. مهاجرت گروهی به تهران و شهرهای بزرگ، زاغه‌نشینی و زورآبادها را به ارمغان آورد. به ازای ایجاد یک اشتغال جدید در شهر، چندین روستایی بیکار به شهر آمدند و موجب شدند تا مخارج بیشتری صرف مسکن، تأسیسات زیربنایی و خدمات شود. تولیدات غیر کشاورزی افزایش یافت، اما سرانه تولید مواد غذایی تغیر نکرد و راکد ماند. و مسؤولان به جای وارد کردن ماشین‌آلات، قطعات یدکی و مواد خام صنعتی مورد نیاز، مجبور شدند که ارز هنگفتی (حداکثر ۶ میلیارد دلار و حداقل ۳ میلیارد

دلار سالانه به لحاظ کردن مصرف سرانه مواد غذایی و رشد تولید محصولات کشاورزی به میزان سال ۱۳۷۰ را برای واردات مواد غذایی (که می‌توانست در محل تولید شود) هزینه کنند. به قولی شهرها و بخصوص تهران روز بروز چاقتر و از شدت چاقی متورم گردید. طرح جامع\* و طرحهای هادی شهری به عنوان رژیم لاغری و جلوگیری از تورم بی‌رویه و گسترش غده‌های رشد مطرح شدند و همین طرحها هم هر چند نسخه‌های کاذبی بیش نبودند، لیکن در جهت نابودی کشاورزی و مآلاً حوزة‌های زیستی روستایی و کشاندن روستاییان به شهرها و حواشی آن و تبدیل این عناصر کشاورز و تولیدکننده به نیروهای کار ارزان قیمت در کارخانه‌ها و کارگاههای وابسته بسیار مؤثر بودند. از این رهگذر روستای زنده و پویای کشور در طی یک دوره ۲۵ تا ۳۰ ساله رفته رفته از سکنه خالی شد و از آن کالبدی نیمه جان و محتضر به جای ماند و در عوض در همین مدت حداقل بیست و پنج شهرک و یا به حسابی دیگر حدود بیست و پنج هزار روستای بی‌مزرعه و دام و دانه فقط در حاشیه شهر تهران مثل قارچ از زمین رویید. ۲۲

بهترین دلیل بر این مدعا، مطالعاتی است که اخیراً توسط بخش جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری صورت گرفته است. ۲۳

بر اساس این مطالعات در استان تهران، شهرهای رباط کریم، مهرشهر (مهردشت)، رودهن، گیلان «اوشان-فشم-میگون» و گلندوک جمعاً ۱۸۰۵۳ نفر در سال ۱۳۵۵ و نقاط هشتگرد، علیشاه عوض، رباط کریم، مهرشهر (مهردشت)، نظرآباد بزرگ (نظرآباد)، رودهن، فیروزکوه، گیلان، قرچک، قاسم آباد شاهی

---

\* متأسفانه تصور عمومی بر این است که طرحهای توسعه شهری به تنهایی راه‌گشای تمامی مشکلات و نارساییهای موجود در این زمینه هستند. این باور سبب شده است که اغلب اقدامات و فعالیتهای مربوط به حل مسائل و تنگناهای توسعه شهری نهایتاً به چگونگی تهیه و تصویب طرحهای توسعه یا مباحثی در حاشیه آنها محدود شود. در این جاست که ضرورت بازنگری در این دیدگاه و نحوه تلقی و اعمال سیاستهای مربوط به شهرنشینی و هدایت جریانهای توسعه شهری مطرح می‌شود، که از بحث ما خارج است.

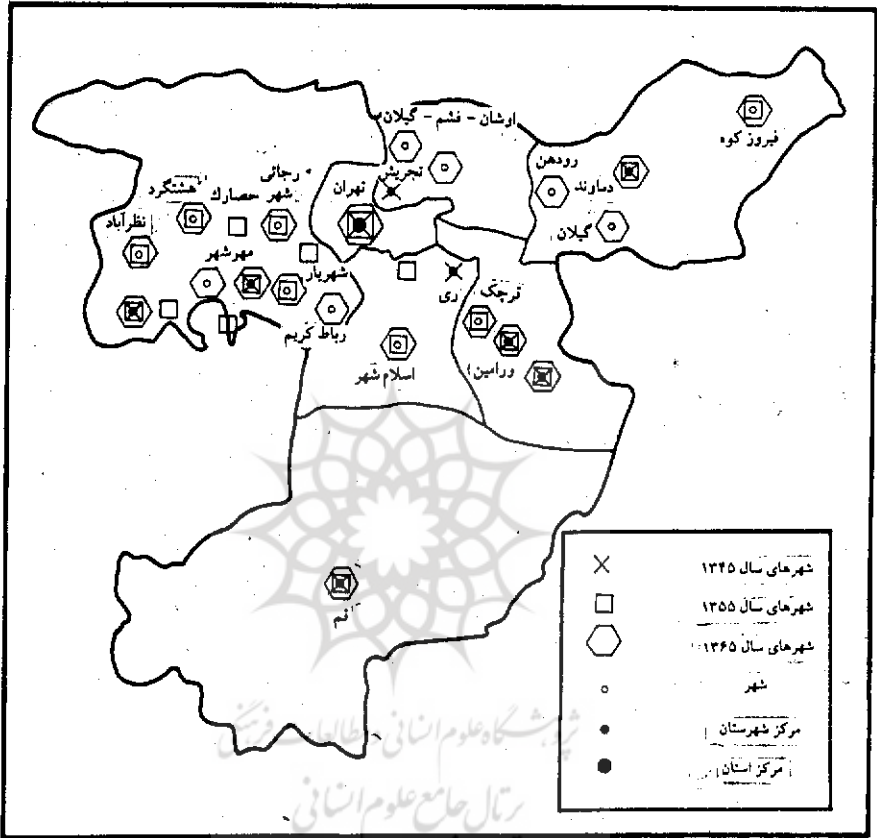
«ارشان-فشم-میگون» و گلندوک با ۲۸۷۳۶ نفر جمعیت در سال ۱۳۴۵ به عنوان روستا سرشماری شده اند.

بنا به محاسبه ای دیگر بر اثر توسعه فیزیکی محدوده شهرهای استان تهران، تعدادی از آبادیهای پیرامونی بتدریج در شهرها ادغام و از فهرست نقاط روستایی دارای سکنه استان حذف شده اند. تعداد جمعیت و خانوارهای این آبادیها در فواصل دهساله از ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ به شرح زیر بوده است.

میزان جمعیت	تعداد آبادی	عنوان
۳۹۱۱۷	۸۸	آبادیهای ادغام شده در شهرها در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵
۱۳۵۰۵	۸۸	جمعیت سال ۱۳۴۵ آبادیهای ادغام شده در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵
۵۳۵۵۸	۱۲۶	آبادیهای ادغام شده در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۴۵
۶۷۰۶۳	۲۱۴	جمع جمعیت سال ۱۳۴۵ آبادیهای ادغام شده در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۴۵

از مجموع ۲۱۴ آبادی ادغام شده در نقاط شهری استان تهران در فاصله سالهای ۱۳۴۵-۱۳۶۵ تعداد ۱۳۱ روستا در شهر تهران ادغام شده اند.

شهرهای استان تهران در سرشماریهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵



شهرزاد ناشینی

کاربرد جغرافیا در مطالعات و برنامه ریزی روستایی:

تا این اواخر بازگویی درباره زندگی روستایی را ادبیات بعهده داشته و پیوسته ادبا و نویسندگان که طبعی آرام داشته و عاشق مناظر طبیعی بودند، نقاشیهایی از دهات و ساکنان آن به تصویر می کشیدند. به عبارت ساده تر وقتی نام ده برده می شد فوراً همه بیاد دشتهای سرسبز و باغهای پرمیوه و مزارع گندم می افتادند و مردم فقط به عزم تفریح و گردش قدم به روستاها می گذاشتند. فقط نقاشان باذوق و عاشق پیشه بودند که تابلوهایی از دهات و وضع مسکن و مناظر طبیعی تهیه کرده در اختیار علاقه مندان



می گذاشتند.\* اما این روش و نوع مطالعه و طرز نشان دادن فقط سیمای ادبی و فرهنگ عامه و عقاید و آداب روستاییان سالیان درازی است که در ممالک پیشرفته تنها هدف محققان نیست. امروز دیگر در کشورهای اروپایی و آمریکایی مطالعه یک بخش بزرگ از وضع روستاها و روستاییان در اختیار سایر محققان از جمله جغرافیا در آمده است و به عهده جغرافیاست که مورفولوژی اجتماعی و اقتصادی و اوضاع طبیعی، نواحی مختلف روستاها را مطالعه کرده و چگونگی فضای جغرافیایی را روشن سازد.

در عصر ما تابلوهای نقاشی که در زمانهای گذشته از دهات و وضع زندگی آنها ترسیم می شد و چشمها را نوازش می داد به نمودارها و تابلوهای آماری و نقشه های دقیق جغرافیایی، مهندسی و معماری تبدیل شده است. که هر کدام به وسیله متخصصین فن با اصول علمی و آماری مطالعه و بر روی کاغذ در آمده و در مؤسسات مختلف تحقیقاتی با استفاده از کامپیوتر و به کارگیری تکنیکهای آماری (همبستگی، رگرسیون، کراسی تراپ...) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. البته علم جغرافیا نیز به نوبه خود مانند سایر علوم، مراحل پیشرفت را در این کشورها به سرعت پیموده است. در قرن نوزدهم جغرافیدانان معتقد بودند که منظور از مطالعه روستاها همانا مطالعه وضع خاک و پستی بلندی و یا آب و هواست. اما خیلی زود معلوم شد که این تحقیق و مطالعه به تنهایی کامل نبوده و نمی شود فقط به مطالعه وضع طبیعی یک

---

\* ... راه روستای ما تا شهر خاکی است، درست مثل مردم روستا، مثل خودمان که خاکی هستیم، هوای روستا صاف است، درست مثل قلب های مردم اش که از صافی آینه را می ماند. مردم روستای ما بسیار صمیمی و با صفا هستند، درست مثل روستایمان که خیلی باصفاست و ... چنین است که به هر روستا که پا می گذاری، زمزمه جویدارانش، های و هوی بادگیرهایش و سکوت پر معنای کوهسارانش ... ۲۲

این جملات، چندان نامأنوس نیستند. جملاتی هستند که سالهای متمادی در گوش و ذهن ما زمزمه شده اند. اما به راستی آیا می توان روستا را از روی همین چند جمله شناخت؟ آیا می توان با همین جملات به عمق معنای آن پی برد و آیا می توان به ژرفای دردمند آن رسوخ کرد؟

ناحیه اکتفا کرد. زیرا با مطالعه عوامل فیزیکی یک ناحیه، عوامل انسانی آن را نباید از نظر دور داشت. این عوامل بطور کلی یکی بعد از دیگری در روی زمین ظاهر شده و ارتباط کاملی با یکدیگر دارند و در نتیجه جغرافیای انسانی عمومی به وجود می آید که سهم بزرگی در تشریح و بیان منطقه روستایی خواهد داشت و بدون این علم بیان مطالعه ما نارسا بوده ناگزیر با مسائل بسیار مشکل و بی انتهایی مواجه خواهیم شد.

«امروزه جغرافیا، علم در جریان به سوی عمل است، این عمل در هر فضایی، شکل خاصی به خود می گیرد، شکلی که متأثر از کوششهای فضایی شده می باشد». ۲۵  
برای محصور کردن مزارع و شخم زدن آنها در هر جهت و به هر طرز که یک دهقان می خواهد آزاد است و او می تواند با میل و اراده خود عمل کند. اما وقتی که دهقانان همان ناحیه یک سیستم و فرم کشاورزی را به یک سیستم و فرم دیگر ترجیح داده و در توسعه و پیشرفت یک محصول و حذف محصول دیگر می کوشند، باید برای اینکار دلایل و توضیحاتی داشته باشند.

وقتی ساختمان و ترکیب مزارع، پایداری و ثبات بهره برداریها، سیستم بهره برداری، راندمان اقتصادی، وضعیت حیوانات و وسایل و لوازم کشاورزی، دموگرافی روستایی، تمام این عناصر و عوامل عوض شود، مسلماً در عناصر دیگر نیز دیر یا زود تأثیر خواهد داشت. بحث و مطالعه و تحقیق و بالاخره پیدا کردن عمل همانا اساس مطالعات روستایی را که شاخه ای از جغرافیای روستایی است تشکیل می دهد.

متأسفانه در کشور ما علی رغم پیشرفت سریع علوم انسانی هستند کسانی که فکر می کنند جغرافیا، فقط مطالعه وضع طبیعی و شمارش رودها و کرههاست. غافل از این که علم جغرافیا پایه و اساس علوم انسانی را تشکیل داده و در دنیای امروز از دیرباز وظیفه بسیار مهمی را عهده دار بوده است.

«جغرافیا دیگر تنها فهرستی از سیماها و آمارها از نقاط مختلف جهان نیست. اکنون جغرافیا از اینها برای بررسی مسائل رابطه مکانی در زمین استفاده می کند، مسائلی که با زیادی جمعیت، توسعه نیافتگی، رویش بی رویه شهرها،

برنامه ریزی ناحیه‌ای، اطلاعات ارضی و سیاستهای کاربردی زمین آشکار شده است. امروز اگر رخداد خبرها در مفهوم جغرافیا با مسائل زیست محیطی مطرح نشود با معنا نخواهند بود. و این ممکن نیست مگر آنکه رابطه‌های مکانی آنها شناخته شود.

جغرافیا امروز علم گسترده‌ای است و قلمرو آن پدیده خاصی نیست، بلکه شامل پراکندگی و هماهنگی بسیاری از پدیده‌های زمین است. در نتیجه جغرافیا شاخه‌های شناخته شده بسیاری دارد. اگر چه پیوندها وزمینه‌های محکم، شاخه‌های گوناگون جغرافیا را به هم پیوند می‌دهد، اما گوناگونی آن برای افراد غیر متخصص، مبهم باقی مانده است. \* در حال حاضر جغرافیای روستایی با کُد ۳۶ یکی از شاخه‌های عمده جغرافیا می‌باشد. ۲۶

در کشورهای پیشرفته امروزه مطالعه وضع فیزیکی و اجتماعی و اقتصادی یک ناحیه توسط جغرافیدانان، اساس برنامه‌ها و طرحهای عمرانی را تشکیل می‌دهد. و چه بسا اشتباهات بزرگی که در اثر عدم شناخت و شناسایی دقیق ناحیه‌ای در طرح و اجرای برنامه‌های عمرانی پیش می‌آید.

عدم اطلاع از امکانات بالقوه یک فضای جغرافیایی بهره‌وری کامل از آن را ناممکن و تدوین برنامه‌های مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی آن را با مشکل مواجه می‌کند. چه بسا مکانهایی که علی‌رغم داشتن امکانات بالقوه قوی و پر برکت به دلیل عدم بکارگیری عناصر سازنده، آن به ویرانه‌ای تبدیل و امکانات موجود در آن بدون استفاده باقی مانده‌اند. و اگر این روند ادامه یابد نتایج مخرب آن سنگین خواهد بود. بنا به تجربیات دانشمندان اگر علوم ساده دامنه مطالعه و تحقیقات خود را توسعه ندهند، علوم دقیق و پیچیده انسانی هیچ وقت پیشرفت نخواهند کرد. بالاخره

\* اتحادیه جغرافیدانان آمریکایی (AAG) ۷۵ شاخه برای جغرافیای موضوعی و ۶۲ شاخه برای جغرافیای ناحیه‌ای مشخص کرده است. علاوه بر این، ۳۵ «گروه تخصصی» ایجاد کرده است که جغرافیدانان از این طریق در زمینه‌های تخصصی، آموزشی و علایق علمی مشابه ارتباط برقرار کرده، و مسائل مورد علاقه خود را بررسی می‌کنند.

جغرافیا با تمام حق قانونی خود در علوم انسانی نقش بزرگ و وظیفه سنگین در راهنمایی و پیشرفت دنیای متمدن بازی کرده و با کوشش زیاد برای نشان دادن اوضاع دنیا و ساکنین آن، خود را در میان یکی از مهمترین شاخه های علوم انسانی جای می دهد. در بالامتذکر شدیم که یکی از شاخه های بسیار جوان جغرافیای انسانی عمومی همانا جغرافیای روستایی\* است. این شاخه از جغرافیا با اینکه بسیار جوان می باشد، ولی در کشورهای اروپایی و آمریکایی پیشرفتهای قابل ملاحظه ای کرده است و بسیاری از مشکلات و مسائل مربوط به روستاها توسط این علم حل می شود. هدف اصلی جغرافیای روستایی ظاهر ساختن فرم و سیستمهای اساسی زندگی روستایی و رابطه بسیار نزدیک آن با وضع کشاورزی و نوع محصول و آب و هوا، وضع خاک و بالاخره پیش بینی مشکلات کشاورزی و روستایی و ارائه راه حل های مناسب در محیطهای مختلف طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است.

بی وجود چنین آگاهیهای مطالعاتی در هیچ زمینه ای از زمینه های اجتماعی و اقتصادی گامی استوار نمی توان برداشت و دست به اقدامی قابل اطمینان نمی توان زد. فقط در پرتو دستیابی به چنین اطلاعاتی امکان دارد، تا تشخیص داده شود که برنامه های اجتماعی و اقتصادی و عمرانی را از کجا و چگونه باید آغاز کرد، به نحوی که اولویت نیازمندیهای شهری و روستایی رعایت شده باشد، و از کار و نیرو و سرمایه ملی نتیجه متناسب و مقرون به صرفه حاصل شود. وگرنه قیاسات کلی و بحث و استدلال و اجتهاد و استنساخ ذهنی هر اندازه سنجیده و ژرف باشد حاصلی جز ناکامی و نتیجه ای جز اتلاف وقت و سرمایه نخواهد داشت.

ناگفته نماند که جغرافیای روستایی بیشتر از جغرافیای شهری احتیاج به مطالعه

---

\* جغرافیای روستایی هیچوقت با جغرافیای کشاورزی یا جغرافیای زراعی مترادف نیست. جغرافیای روستایی یعنی جغرافیای روستاها. بنابراین در روستاها مردمان زیادی هستند که از درآمد مستقیم زمین زندگی نمی کنند، کارمندان، تجار، صنعتگران... که در جغرافیای کشاورزی یا زراعی موزدی برای مطالعه این عوامل محلی وجود ندارد و آنوقت است که باید از جغرافیای روستایی برای مطالعه کامل نواحی مختلف کمک خواست.

عوامل و مسائل گوناگون دارد. قبل از همه انسان به فکر مبارزه و غلبه بر عوامل جوی، خاک، آفات بوده است و بعداً در چهارچوب سیستمهای مختلف سازمانهای اقتصادی و اجتماعی برای وارد کردن تکنیکهای متنوع کشاورزی و افزایش محصول کوشش کرده است. مسائلی که در این موارد مطرح می شود در مناطق مختلف و در کشورهای متعدد کرة خاکی متفاوت بوده و در مقیاس منطقه ای و محلی می باشد و تحقیق و توضیح آنها به عوامل و تناسبهای مختلفی بستگی دارد که هیچیک را به تنهایی و مستقل نمی توان مطالعه کرد. فرهنگ روستایی قدیم و سنتها و آداب و رسوم ایران روستایی، شناسایی آشنایی دیرینه ای با این مسائل دارد. البته مسائل متنوع فقط ناشی از عوامل طبیعی یا مختصات زیربنای جامعه روستایی ناشی نمی شود بلکه عوامل اجتماعی و حتی سیاسی نیز به اندازه عوامل طبیعی در ایجاد و حل این مسائل دخیل و مؤثر است و عامل عمده تفاوت آن هم در نقاط مختلف جهان و کشورها همین است.

مسلم و قطعی است که تجزیه و تحلیل و مطالعه کامل تمام این عوامل و مسائل از قبیل پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی به وسیله مدرنیزه کردن، مخاطرات عوامل و حوادث پیش بینی نشده یا تناقض موجود بین نفع فردی و منافع عمومی، مسائل فنی، مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی، مسائل روانشناسی بر عهده مهندسين کشاورزی، اقتصاد دانان، جامعه شناسان و بالاخره روانشناسان می باشد. اما وظیفه جغرافیا همانا معرفی و نشان دادن این عوامل و تعیین واضح و روشن حدود و عوامل توسعه در روستا برای اطمینان دیگران و نیازهای ناحیه مورد مطالعه و وسایل و راه حلهای مناسب برای رسیدن به نتیجه مثبت می باشد. در نهایت معلوم است که مطالعه مناطق روستانشین به وسیله جغرافیدان در پیشرفت و توسعه تولیدات کشاورزی و بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستایی تأثیر غیرقابل انکاری دارد.

در ساختن یک پل برای ارتباط چند روستا به هم، یا چند روستا به جاده شوسه اصلی یا بالاخره به شهر، طبیعی است که برآورد هزینه ساختمان پل، تعیین نوع مصالح آن، فلزی، بتونی، سنگی، و تعداد دهنه و ... در قلمرو فعالیت مهندس راه ساختمان است و تعیین مقاومت خاک در جهت نصب و جایگزینی پل در محلی که زیر

ساخت مناسبی داشته باشد بر عهده زمین شناس و یا مهندس مکانیک خاک می باشد. اما در این کار عمرانی، نظر جغرافیدان به موقعیت جغرافیایی و اثرات اقتصادی این پل در ناحیه مورد نظر معطوف است. چرا که جغرافیدان می تواند با مطالعات خود تغییراتی را که از احداث پل در ناحیه به وجود خواهد آمد ترسیم نماید و بگوید، آینده جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ناحیه چگونه خواهد شد. همچنین جغرافیدان بریژه در مطالعات جغرافیائی می تواند بهترین راهنمای برنامه ریزان در مکان یابی فعالیت های عمرانی و زیربنائی در روستاها باشد. تا جایی که اکثر متخصصین، مطالعات روستایی را بهترین راهنمای برنامه ریزان می دانند. ولی بر این گفته باید این مطلب را افزود که مطالعات روستائی نه تنها راهنمای برنامه ریزان و مسؤولان کشور است، بلکه بهترین و صدیق ترین و صالح ترین راهنمای هر مأمور عمران، در اجرای برنامه های عمرانی نیز می باشد.

پس بنا بر آنچه اشارت رفت می توان با قاطعیت تمام مطالعات جغرافیائی و بالاخره شناخت جغرافیائی را اولین شرط اقدام منطقی برای هر کار و بخصوص برنامه های بهسازی و عمرانی روستایی دانست و اصولاً محققان و کارشناسان جغرافیا باید قبل از سایر کارشناسان عمران، پا به روستا بگذارند.

موضوع مطالعه مناطق روستایی با اینکه آسان به نظر می رسد. ولی مشکلات زیاد و پیش بینی نشده ای را بر سر راه خود دارد. بررسی های اجتماعی، فرهنگی، کشاورزی در دهات و جمع آوری آمار و اطلاعات لازم در این زمینه قدم اول و شروع کار است. اما متأسفانه اکثر روستاییان ما از خواندن و نوشتن بهره ای ندارند و این خود برای مطالعه کنندگان مشکلی قابل ملاحظه است. بالاخره تهیه برنامه کار و طرح ریزی که از مهمترین مراحل توسعه روستاها می باشد، بعد از مطالعه دقیق وضع جغرافیائی طبیعی و اقتصادی-اجتماعی توسط جغرافیدانان انجام پذیر است. اصولاً تا درد شناخته نشود درمان آن میسر نیست. بنابراین پس از شناسائی و بررسی کامل جنبه های مثبت و منفی وضع روستاها باید اقدام به تنظیم برنامه ها و طرح ریزی اصول فعالیتها در روستاها نمود.

به هر حال، برای دستیابی به توسعه (همه جانبه) روستائی مجموعه شرایط و عوامل مختلفی لازم است که تحت عنوان شرایط لازم برای توسعه نامیده شده است. اساسی ترین عوامل از این مجموعه شرایط را می توان محیط فرهنگی-اقتصادی مناسب، آموزش نیروی انسانی، انباشت سرمایه، سازماندهی و مدیریت اقتصادی، سیاست ها و حمایت دولت بیان داشت.

شرایط فوق زمانی می توانند مؤثر باشند که به صورت همه جانبه و مستمر در حد مناسب تأمین شوند. این مسأله میسر نخواهد شد مگر در قالب برنامه مدون بر اساس مطالعات دقیق و همه جانبه جامعه روستایی.

### پایان سخن:

اعم از این که جامعه ما، جامعه ای کشاورز یا صنعتی باشد، و اعم از این که شکوه کشتزارهای سبز و خرم، جاذب گروهی از مردم شهرنشین، و یا جوش و خروش مناطق صنعتی راه گشای مردم روستایی به سوی شهرها و مراکز صنایع باشد. به هر حال، آرمان توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی به سرنوشت زندگی و کار همین گروه عظیم از هم میهنان ما بستگی دارد و هر بررسی و تحقیقی که واقعیتی از حقایق و مسائل روستایی را آشکار سازد ارزشی فراوان و پایگاهی ارجمند خواهد داشت.

البته شناخت و معرفی روستاها تنها با جمع آوری ارقامی چند، به وسیله مأموران، بدون توجه کامل، به عوامل انسانی و طبیعی و روابط آن دو، امکان پذیر نیست. بلکه لازم است در این گونه موارد تمام جنبه های طبیعی و اقتصادی-اجتماعی ده مورد مطالعه را از لحاظ تغذیه و بهداشت انسانی و حیوانی، کیفیت عمری محصولات، وضعیت دامپروری، طرز معامله یا مصرف محصولات آنان، سنن و آداب و رسوم اجتماعی و مذهبی، موقعیت جغرافیایی، سوابق تاریخی و روابط عمومی، روابط شهر و روستا، وضعیت راههای اصلی و فرعی، صنایع روستایی و نظایر آنها بررسی و تحقیق نمود. و بعد با دقت کامل، با توجه به اطلاعات به دست آمده توسط افراد مطلع و با در نظر گرفتن زمان و مکان، بهترین طرحهای مناسب و مفید را برای

بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی کشاورزان و روستاییان تهیه و به مورد اجرا گذاشت. پس می‌توان گفت منظور از مطالعه و شناخت روستا (به طوری که در بعضی از طرح‌های جامع و هادی مهندسین مشاور دیده می‌شود) نشان دادن مجموعه‌ای از نظرات و برنامه‌های دسته‌بندی شده و آراسته نیست و خودش هم به تنهایی هدف نمی‌باشد. بلکه جزئی از یک تلاش کلی در جهت ایجاد و تکمیل یک جامعه و نظم اجتماعی جدید بر اساس سنت‌های پسندیده و تجربه شده گذشته می‌باشد.

در نهایت باید اعتراف کرد که ما شهرها تا زمانی که درک نکنیم که اکثریت هموطنان ما در روستاها چگونه زندگی می‌کنند، به اهمیت اصلاحات یا توسعه همه جانبه روستا پی نخواهیم برد و لزوم تمرکز و آماده باش، تمام قوای کلی را برای نجات روستاییان درک نخواهیم کرد، کسی که نمی‌داند سطح زندگی در روستا تا چه اندازه‌ای پائین است اگر چه در شهرهای کوچک ساکن باشد، لزوم توجه به وضع روستاییان را درک نخواهد کرد.

کلام آخر این که؛ جامعه‌ای که روستایی فقیر خود را به هر عنوان فراموش کند و به حال خودش رها سازد، در حقیقت خود را از یک منبع بسیار مهم توسعه محروم می‌سازد.

فقر بدتر است، اما دور ریختن سرمایه از آن بدتر . . . فقرا ممکن است روزی غنی تر شوند، اما اسرافکاران هرگز غنی نمی‌شوند، بلکه روز به روز فقیرتر خواهند شد. بخش بزرگی از سرزمین ما به علت کمبود آب و نیز مورفولوژی و جنس خاک برای کشاورزی یا سکونت انسان مساعد نیست. این امر موجب شده است که وضعیتی خطرناک و نگران‌کننده به وجود آید، زیرا شهرها بنا بر طبیعت‌شان در بهترین زمینهای حاصلخیز به وجود آمده و رشد کرده‌اند. بدین ترتیب رشد شهرها با چنین سرعتی در آینده آخرین زمینهای حاصلخیز را از بین خواهد برد. (دیگر کرج و ورامین و شهریار با آن همه زمینهای حاصلخیز و باغات میوه وجود نخواهد داشت) و آماده سازی اراضی جدید برای کشت میوه و سبزیجات ضرورت خواهد داشت، اما امکان این کار به علت هزینه‌های سنگین و مشکلات ناشی از نوع خاک عملاً وجود ندارد.



مسأله دیگر سوء استفاده از اندک آبی است که داریم. گفته شده است که هر قطره آب رود را این قبل از رسیدن به دریا، سه بار از معده آدم‌ها و دوبار از مزارع عبور می‌کند، اما ما هر قطره آب را فقط یک بار مصرف می‌کنیم و پس از آن، هنگامی که این قطره به رودخانه باز می‌گردد به حدی آلوده است که صد قطره دیگر را نیز آلوده می‌سازد. به عبارت دیگر ما نه تنها از هر قطره پنج بار بهره نمی‌بریم، بلکه از همان یک قطره چنان نادرست استفاده می‌کنیم که صد قطره دیگر آلوده می‌شود. درست است که ملت ما تاریخی عظیم و غنی، سدها و بندها و قناتهای سه هزار ساله دارد. اما هنوز باید چیزهای بسیاری بیاموزیم. تاریخ تنها برای طرح ریزی خوب کفایت نمی‌کند. ضمناً نباید فراموش کنیم که در این راه ناگزیریم کمتر نظریه پردازی کنیم و بیشتر عمل‌گرا باشیم. ناگزیریم که با درآمد کم و امکانات محدود به بازده خوب دست یابیم. نیاز داریم که تجربه را نیز با علم همراه کنیم. راه سهل و ساده‌ای وجود ندارد. روش‌شناسی استاندارد هم در مطالعات روستایی وجود ندارد. سیستمی وجود ندارد که بهترین سیستم برای مطالعات روستایی ما باشد «باید با کار راه خود را تعیین کنیم».

بدین ترتیب اگر به وسعت قلمرو روستاها و کثرت روستاییان و نقش مهم اقتصادی آنها بنگریم، مسلماً به سهم عظیمی که، این جامعه در پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور، خواهد داشت، پی خواهیم برد. خصوصاً هنگامی که در این نقاط با تجهیز نیروی عظیم انسانی که سالیان درازی در مراحل ابتدایی تولید قدم می‌زده و در تمام قرون و اعصار، خردی و بیگانه چشم به اندک مایه آنان داشتند، اصلاح همه جانبه زیست و معاش او را آغاز کنیم، مسلماً مطالعات روستایی بطور اعم و برنامه‌ریزی روستایی را بطور اخص می‌توان سرآغاز یک تحول بزرگ در جامعه روستایی و همچنین جامعه وابسته به آن یعنی شهری‌ها دانست.

اینک در پایان سخن از عموم علاقه‌مندان مطالعات روستایی و همه افرادی که آرزو دارند ببینند خانه و کاشانه دهقان به جای چراغ پیه‌سوز و نفتی با برق روشن می‌شود یا گاو آهن و خیشهای چوبی مبدل به تراکتور شده، یا زمینهای بایر و غیرقابل استفاده به باغ و بستان و مزارع سرسبز تبدیل گردیده، و زندگی دهقانی جامه نو بر تن

کرده و فقر و بدبختی و بی غذایی و بی دوابی و خصوصاً بی عدالتی و نابرابری برای ابد در کشور ما از بین رفته، می خواهم که در این راه از همکاری و مساعدت دریغ نفرمایند.

### گزیده منابع و مأخذ

1 - P.R.B. (population Reference Bureau), World population Data sheet 1992- Washington.D.C.

۲ - سازمان ملل متحد، واحد جمعیت، ۱۹۷۵.

۳ - همان منبع شماره یک.

۴ - سازمان خواروبار کشاورزی جهان (FAO) ۱۹۹۰.

5 - Bhooshan and Misra, Vol.1-India,P.37.

6 - IBRD, World Development Report 1980, P.32.

7 - Human Development Report 1990. PP. 17-41

8 - People. Volume 13 No 3, 1983.

۹ - ساختار کشاورزی ایران و تنگناهای آن از دیدگاه توسعه درونزا، اطلاعات

سیاسی-اقتصادی، سال هفتم، شماره ۵۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، دکتر ابراهیم رزاقی.

۱۰ - وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری،

بخش جمعیت، تحول جمعیت ایران در طرح ریزی کالبدی ملی، نشریه شماره (۱-۳)، تهران).

۱۱ - مرکز آمار ایران، مدیریت روابط عمومی و انتشارات، نشریه گزیده مطالب آماری،

شماره ۳۲.

۱۲ - هفته نامه اطاق صنایع و معادن ایران، شماره ۵، مرداد ماه ۱۳۷۱، صفحه ۲۲.

۱۳ - همان منبع.

14 - International Seminar on Rural centre and settlements plan-  
ning.Teheran. 28 July-4August 1992 (Draft Report) P.P. 40.

۱۵ - آر. پی. میسرا (R.P.Misra) توسعه روستایی، مسائل ومشکلات - روستا وتوسعه،

گزیده مقالات، شماره یک، دی ماه ۱۳۶۶.

۱۶ - منبع شماره ۱۱.

۱۷ - مهندسان مشاور DHV از هلند، رهنمودهایی برای توسعه برنامه ریزی مراکز روستایی مترجمان: سید جواد میر، ناصر اوکتایی، مهدی گنجیان-مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

۱۸ - آر. پی. میسرا (R.P. Misra) و کی. وی سوندرام K.V. Sundram - گزینه های توسعه روستایی، ترجمه شهید مهندس علی اکبر، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهادسازندگی.

۱۹ - مرکز آمار ایران، مدیریت روابط عمومی و انتشارات نشریه گزیده مطالب آماری شماره ۲۳ ص ۲۴.

۲۰ - نشریه جهاد، شماره ۱۱۳، صفحه ۹ - وزارت جهاد سازندگی.

۲۱ - جلال آل احمد، اورازان، تهران، مرداد ماه ۱۳۳۶.

۲۲ - وزارت جهاد سازندگی، «روش کلی طرحهای هادی روستایی» تهیه کننده: مجتبی امانی فر.

۲۳ - همان منبع شماره ۱۰.

۲۴ - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، نشریه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۴۴،

صفحه ۱.

۲۵ - پیر زرژ «روش تحقیق در جغرافیا»، ترجمه دکتر مطیعی لنگرودی، صفحه ۸-

مجموعه چه میدانم؟

۲۶ - جان اف- لوسنبری و فرانک تی. آلدریج، «درآمدی بر روش ها و فنون میدانی

جغرافیا» ترجمه دکتر بهلول علیجانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.